

کیهان

شبهه ها و پاسخ ها

مفهوم شناسی «هوای نفس»

شبهه: **منظور از هوای نفس چیست؟ آیا به غذای حلال میل داریم این هم هوای نفس است؟ آیا هوای نفس جزئی از وجود ماست که باید آن را از بین ببریم؟ اساسا امکان از بین بردن آن وجود دارد؟ چگونه؟**

پاسخ: نفس و خواشه‌های نفسانی و مسئله مبارزه با آن یکی از دستوره‌های همیشگی علمای اخلاق بوده است، اما چپستی هوای نفس و راه‌های مهار آن و وظیفه انسان در مقابل آن دارای ظرایف و نکاتی است که در ذیل بیان می‌شود:

۱. هوا به معنای میل و خواسته است و پیروی از هوای نفس یعنی پیروی از خواسته‌های نفس اماره. هوای نفس در میل‌های پسندیده و ناپسند، هر دو به کار می‌رود، اما در قرآن بیشتر در خواهش‌های ناپسند به کار می‌رود:﴿ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا؛ و از هوس‌های کسانی که آیات ما را کذبید کردند، پیروی مکن.﴾^(۱)

هوای نفس به هر عمل و رفتار ظاهری و باطنی گفته می‌شود که در جهت مخالف خواسته و اراده خداوند متعال باشد. غفلت از یاد خدا، فراموش کردن نعمت‌ها، نیکی‌ها، حکومت و اقتدار الهی و پیروی از شیطان و شیطان صفتان، افراط و تفریط در اعمال و رفتار، برخی از مصادیق پیروی از هوای نفس است.

هوای نفس به هر عمل و رفتار ظاهری و باطنی گفته می‌شود که در جهت مخالف خواسته و اراده خداوند متعال باشد. غفلت از یاد خدا، فراموش کردن نعمت‌ها، نیکی‌ها، حکومت و اقتدار الهی و پیروی از شیطان و شیطان صفتان، افراط و تفریط در اعمال و رفتار، برخی از مصادیق پیروی از هوای نفس است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿وَ لَا تَتَّبِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانُ امْرَءً فَرطَالِیْ رَسُوْلَ مَا! از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ همان‌ها که از هوای نفس پیروی می‌کردند و کارهایشان از روی افراط و تفریط است.﴾^(۲) در قرآن پیروی از هوا نفس مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است و کسانی که از هوا و هوس پیروی نمی‌کنند مورد ستایش و تشویق پروردگار متعال قرار گرفته‌اند: ﴿وَ اَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰی فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوٰی؛ و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس بازداشت، پس جایگاه او همان بهشت است.﴾^(۳) هوای نفس از آن جهت مذموم است که زمینه‌ساز انحرافات عملی، اخلاقی و اجتماعی و حتی سبب پدید آمدن بیماری‌های روانی و بدنی برای انسان می‌شود و آدمی را به وادی گمراهی، ظلم و گناه می‌کشاند. ۲. اما این میل و هوا از بین بردنی نیست و اساسا به ما توصیه نشده است که هوای نفس از بین می‌رود. هسوی نفس را باید مبارزه کرد تا کنترل شود و اگر کسی زیاد تمرین کند کم‌کم بر هوای نفسش مسلط می‌شود و وسوسه نفسش کمتر و کنترلش بیشتر می‌شود. اساسا قدرت هوای نفس، شدت و ضعف دارد یعنی اگر مهار نشود وسوسه نفس و خواهش‌های منفی نفسانی کمتر می‌شود و اگر مهار نشود هوای نفس و میل زیادت می‌شود، بنابراین آنچه از ما خواسته شده است کنترل هواس و نفس و تقویت ایمان است.

۳. اما چگونگی کنترل هوای نفس در بیانات علمی اخلاقی ذکر شده است. مشاطه، مراقبه، محاسبه راه پیشنهادهای است. گام اول مشاطه است؛ یعنی سحرگاه هر روز با خود عهد ببندد و شرط کند که گناهی مرتکب نشود. گام دوم مراقبت است، یکی از عوامل مهم خودسازی و تهذیب نفس، مراقبت و توجه به نفس و کار کدهای آن است. کسی که خود و اعمال و رفتار خویش را در محضر خدا ببیند، همواره مراقب و مواظب نفس خود خواهد بود. گام سوم محاسبه نفس است، چه بسا انسان به دلیل غفلت به وظیفه‌اش عمل نمی‌کند. در این‌جا لازم است در پایان هر روز به حساب رفت و آمد با کدنت‌ها بر جویان رفت، آخر شب، کار کردهای زبان، گوش، چشم، دست و پا و سایر اعضا و جوارح حتی ورودی و خروجی‌های ذهن و فکر و خیال و خفوارات قلبی را بررسی کند و اگر موفق بود خدا را شکر کند و اگر مقصر بود از خدا طلب استغفار نماید. در کنار این کارها دوستی و رفت و آمد با دوستان مؤمن و مذهبی و اساتید مؤمن و ارتباط با مکان‌های معنوی مانند مساجد و زیارتگاه‌ها بسیار مؤثر است.

۴. در کنترل و مبارزه و جهاد با نفس به نکاتی اساسی باید توجه کرد: همان‌گونه که در تربیت و سلامت بدن، فعالیت و ورزش لازم است، در خودسازی و تهذیب نفس نیز ریاضت و مبارزه و جهاد با نفس ضرورت دارد. همان‌گونه که در پرورش اندام، از نرمش و فعالیت‌های ساده و اندک شروع می‌شود و بتدریج به ورزش‌های سنگین‌تر وارد می‌شوند، در تربیت روح نیز باید از اندک شروع کرد و به تدریج به مراحل بالاتر رسید. همچنین خدا در ورزش بدن، ندامت و استمرار لازم است، در ریاضت نفسانی نیز تاوأم، شرط رسیدن به مقصد است. علی(ع) می‌فرماید: «عمل اندکی که پیوسته باشد، بهتر است از بسیاری که تو را خسته و ما مانده کند.»^(۴) در حدیث دیگری امام باقر(ع) می‌فرماید: «محبوبترین کار نزد خدا، آن است که دیگری را به عبادت دعوت کند. هر چند اندک و ناچیز باشد.»^(۵) چنان‌که در سلامت جسم، فعل و ترک (دارو و پرهیز) هر دو با هم مؤثر است، در سلامت و تهذیب روح نیز فعل و ترک هر دو لازم است، مانند ادای واجبات و ترک گناهان و محرمات و توبی و تبری. این وظیفه شماسست. لازم نیست از غذای حلال دوری کنید. چون حرام نیست و شما باید از آنچه واجب و ضروری است دوری کنید و آن خوردن غذای حرام و دوری از کارهای گناه است. لزومی ندارد که از غذای حلال دوری کنید. عادت دادن نفس بر عادات خوب و پسندیده، گر چه به مستضعفان و بی‌نیوایان، احترام به بزرگان، امر به معروف و نهی از منکر بسیار کمک‌کننده است. به هیچ وجه عجله و تعارف با افراد عجیب و غریب لازم نیست؛ زیرا خودسازی امری تدریجی است.

نتیجه:

هوای نفس به معنای میل و خواهش‌های نفسانی است که هم می‌تواند میل خوب و هم میل بد باشد. میل و هوای نفس بیشتر به معنای منفی در قرآن به کار رفته است. میل و هوای نفس زمینه‌ساز خطاهای کوچک و بزرگ است. هوای نفس از بین بردنی نیست، بلکه مهارشدنی است و به ما توصیه شده آن را مهار کنیم و تحت تسلط عقل و دین باشد. هوای نفس شدت و ضعف دارد و می‌توان از راه تقوا و روش مشاطه و مراقبه و محاسبه و بندگی این نفس را مهار کرد. مهم‌ترین کار دوری از گناهان است و خوردن غذای حلال به معنای هوای نفس نیست و متشکلی ایجاد نمی‌کند. با افزایش شناخت و معرفت و رعایت تقوا و بندگی و تقویت ایمان کم‌کم نفس مهار می‌شود.

- انعام، آیه ۱۵۰.
- کهف، آیه ۲۸.
- ناعات، آیه ۴۰.
- نحل،آیه۱۶،مکث ۴۴۴.

۵. الکافی، ج ۸۲

منابع برای مطالعه بیشتر:

- خودشناسی برای خودسازی، مصباح یزدی.
- تهذیب نفس، ابراهیم امینی.
- خودسازی، شهید باهنر.
- خودسازی، محمد یزدی.
- جهاد با نفس، حسین مظاهری.

مؤمنان افراد خوش اخلاقی هستند که مهم‌ترین سرمایه‌های آنان در رفتارها، صبر مبتنی بر تقوای الهی است. مؤمن متقی باید صابر در سه گانه‌های صبر در طاعت، صبر در مصیبت و صبر از مصیبت باشد.

مصیبت به معنای هر چیزی از خیر و شر است که به انسان اصابت می‌کند؛ اما بیشترین کاربرد این واژه نسبت به سختی شدید و گرفتاری است

که انسان در زندگی مواجه می‌شود. در نوشتار حاضر نویسنده ضمن تشریح فلسفه مصیبت‌ها و سختی‌ها، درباره فضیلت صبر در برابر شدائد و مصیبت‌ها و آثار و برکات آن سخن گفته است.

فلسفه مصیبت‌ها

بر اساس تعالیم قرآن، هر چیزی در عالم بر اساس مشیت حکیمانه الهی تقدیر شده است و هیچ چیزی

که در اختیارش قرار گرفته است.(فجر، آیات ۱۵ تا ۲۶)
یکی از فلسفه‌های مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها و شداید سخت در زندگی تجلی فطرت توحیدی انسان و بیداری آن است؛ زیرا وقتی انسان گرفتار مصیبت‌های سخت شود و از هر چیزی نومید گردد و اسبابی برای رهایی از مشکل و مصیبت نیابد، «استرجاع» می‌کند و به این حقیقت فطری باز می‌گردد که مالک همه هستی از جمله خودش خدای سبحان است؛ بنابراین به حقیقت استرجاع باز می‌گردد و در باطن به این حقیقت توجه می‌یابد که «نا ثله و انا الیه راجعون؛ ما

صبر بر مصیبت‌های سخت و دشوار، نشانه تسلیم انسان در برابر مالکیت و ربوبیت و حاکمیت الهی است، و از طرفی نشانه رضای انسان نسبت به داده‌ها و گرفته‌های خدا و پذیرش قسمت الهی است؛ چنان‌که صبر انبیاء و مردان الهی هم‌رمز آنان این‌گونه بوده است.

باید توجه داشت که برخی‌ها وقتی مقامات عالی را در قیامت ببینند، آرزو می‌کنند که ای کاش برای آنان اینلانات بیشتری می‌بود؛ زیرا در آنجا روشن می‌شود که «بالله واللّٰه» بلا برای اولیای الهی است.» پس اگر آنان را در شرایط ابتلای در دنیا قرار نداده و مصیبتی بر ایشان رقم نزده، اعتراض خواهند کرد که چرا آنان را مبتلا نکرده تا به مقامی برسند و در شرایط «حدی‌الحسینین» قرار گیرند؛ زیرا این‌گونه می‌توانستند به چیزهایی برسند که جز در سامانه سنت ابتلاء و فتنه برای کسی رقم نمی‌خورد.(همان؛ قصص، آیه ۴۷، توبه،

صبر بر مصیبت و آثار آن

خلیل آقاخانی

عبث، لعب، لهو و لغو نیست؛ بنابراین، هر چیزی به هر کسی می‌رسد دارای فلسفه و حکمت و هدفی الهی بر اساس قسمت و تقدیر است. مصیبت‌هایی که به انسان از خیر و شر می‌رسد، همه در چارچوب حکمت‌های الهی مقدر است. پس همان‌گونه که اگر خیری به کسی می‌رسد، بر اساس فلسفه مقدر و قسمت الهی است، همچنین اگر شری برسد، آن نیز دارای حکمت و فلسفه‌ای است.

خدا بارها در قرآن به اشکال گوناگون به این نکته توجه می‌دهد که اصابت‌های از شر و خیر در قالب ابتلاء و آزمـون انجام می‌شود (انبیاء، آیه ۳۵) تا نه تنها ظرفیت‌های انسانی آشکار شود، بلکه ادعاهای هر کسی نیز مورد محک و ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا امور باطنی و نفسانی در شرایط ابتلاء است که خود را نشان می‌دهد.

در حقیقت ابتلائات و فتنه‌ها همانند کوره ذوب

فلزات است تا سره از ناسره باز شناخته شود. بنابراین،

فرقی نمی‌کند این ابتلاء با مواردی چون ثروت باشد،

یا فقر و نداری و بیماری؛ زیرا مدعی «حسان» زمانی

اگر کسی بخواهد به مقامات عالی انسانی دست یابد، باید در سامانه سنت آزمون و ابتلاء وارد شود؛ زیرا پاداش‌های عظیم الهی همچون صلوات و برکات الهی، رحمت و هدایت خاص و تفضلات ویژه تنها در سایه این سامانه سنت ابتلاء برای انسان رقم می‌خورد.

که بتواند در دو مصیبت داده‌ها و گرفته‌ها، صبر کند تا جایی که به داده‌های الهی بدست و منفعت نشود و به سبب گرفته‌ها، آندوهناک نگردد (حیدر، آیات ۲۲ و ۲۳) زیرا امیرمؤمنان علی(ع) تمام زهد را بین دو کلمه از قرآن دانسته و این آیات را تلاوت کرده است.
عمران، آیات ۱۶۵ تا ۱۶۷)
پس خیرات و شرور بر اساس مشیت حکیمانه و تقدیر و تقسیم الهی، دارای فلسفه و حکمت‌هایی است که از جمله آنها بازشناسی مؤمن از منافق، صادق از کاذب، مجاهد از قاعد و مانند آنها است، از همین رو خدا بر اساس مافی‌های فلسفه‌های الهی به مؤمنان این نکته مهم و اساسی را توجه می‌دهد که هر چه به انسان از مصیبت‌های نیک و بد در نفس و غیر نفس می‌رسد، همگی بر اساس مشیت تقدیری حکیمانه‌ای است که در قالب «الکتاب» قبل از خلقت انسان نوشته شده‌است؛ پس اگر چیزی رسید، بدست می‌معنای ندارد، چنان‌که اگر شری رسید، نومیدی معنایی ندارد. (حیدر، آیات ۲۲ و ۲۳)

همچنین خدا در جایی دیگر از قرآن می‌فرماید: بخشش ثروت به کسی از سوی خدا به معنای تکريم شخص نیست؛ چنان‌که فقر به معنای توہین و اهانت و افتیر نیست؛ بلکه هر دو حالت، در ساختار ابتلا بر آن مبادعت‌اند. هر چند اندک و است تا چه اندازه دستگیر فقیر از تفضلات الهی است.

پس از رحلت رسول خدا (ص) حوادث تلخی برای اهل بیت آن حضرت اتفاق افتاد، ازجمله هجوم به خانه امیرالمؤمنین(ع) که در این هجوم حضرت زهرا (س) مجروح شده و مدتی کوتاه پس از آن به شهادت رسید، موضع‌گیری تهاجمی در مقابل این شدات و دلیل نابودی اسلام و اهتضاف آن

برابر خطرات و تهدیدهای خارجی، امری حساس بود؛ از سوی دیگر سیاست اهل بیت(ع) در تمام دوران ۲۵۰ ساله بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) این بود که نگذارند اخبار این حوادث تلخ از حافظه تاریخی مسلمانان به ویژه شیعیان پاک شود؛ در همین مبنا با ملاحظه شرایط سیاسی و اجتماعی که در طول این دوران بر جامعه حاکم بود گزارش‌های تاریخی مربوط به این حوادث تلخ را بازگو می‌کردند.

در ادامه به چگونگی بازگو کردن اخبار هجوم به خانه حضرت زهرا (س) در کلام اهل بیت (ع) و

شیعیان در عصر حضور امامان معصوم(ع) پرداخت.

گزارش‌های متعددی به نقل از اهل بیت(ع) دال بر حوادث بعد از رحلت پیامبراعظم (ص) و هجوم به خانه حضرت زهرا (س) و جراحت حضرت در نتیجه این هجوم نقل شده است که در ادامه درباره اولین نوشته‌ای که در قرن اول هجری، حوادث بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) را ثبت کرده است معرفی می‌شود.

جریان هجوم به پهلوی حضرت فاطمه (س) وارد کرد که در نتیجه آن پهلوی حضرت شکست و فرزند ایشان سقط شد.^(۱) اما اولین نوشته‌ای که حوادث تلخ بعد از رحلت رسول خدا (ص) بازگو کرده است کتاب سلیم بن قیس است. سلیم دو سال پیش از هجرت دیده به جهان گشوده و در دوران خلافت عُمر در عهد جوانی به مدینه آمد.

پیروان آن بوده است و بعد از قتل عثمان و زمانی که امیرالمؤمنین(ع) به خلافت می‌رسد، سلیم از یاران آن حضرت و شاهد و ثبت‌کننده مستقیم وقایع و جنگ‌ها و گفته‌های او بود و آنگاه که حضرت به شهادت می‌رسد و امویان حکومت را به دست می‌گیرند، سلیم در عین مراهی با امامان بعدی، ازجمله شیعیانی است که مورد غضب و تعقیب امویان قرار می‌گیرد.

علم همه‌جانبه خدا نسبت به بنندگان و مخلوقات و نیازها و توانایی‌های آنان(تغافل، آیه ۱۱)، توجه به مالکیت خدا نسبت به هستی(بقره، آیه ۱۵۶)، توجه به ولایت الهی و رساندن هر کسی به کمال بایسته و شایسته در چارچوب ربوبیت (توبه، آیات ۵۰ و ۵۱)، توکل و اعتماد داشتن به خدایی که دارای ولایت تمام است(همان) و نیکو دانستن هر چه به انسان از خیر و شر می‌رسد(همان) به او کمک می‌کند تا در مصیبت‌های سخت و جانکاه تحمل و صبر داشته باشد و جزع و فرغ نکند و به کفر و کفران نگراند. همچنین توجه به اموری چون پیشامدهای سخت برای دشمن(آل عمران، آیه ۱۶۵) و باور به سست ابتلاء برای اهداف و فلسفه‌های پیش گفته می‌تواند آسانتلاش و صبر انسان را بالا برد. (توبه، آیات ۵۰ تا ۵۲)

صبر بر مصیبت‌های سخت و دشوار، نشانه تسلیم انسان در برابر مالکیت و ربوبیت و حاکمیت الهی است(بقره، آیات ۱۵۵ و ۱۵۶)، و از طرفی نشانه رضای انسان نسبت به داده‌ها و گرفته‌های خدا و پذیرش قسمت الهی است؛ چنان‌که صبر انبیا و مردان الهی هم‌رمز آنان این‌گونه بوده است. (آل عمران، آیه ۱۱۶)

صبر بر مصیبت‌ها و سختی‌ها، آثاری دارد که از جمله آنها می‌توان به تقویت اراده و عزم انسان در امور(لقمان، آیه ۱۷)، دریافت بشارت‌های خاص الهی(حج، آیات ۳۴ و ۳۵)، جلب محبت خدا (آل عمران، آیه ۱۴۶)، جلب رحمت الهی (بقره، آیات ۱۵۶ و ۱۵۷)، جلب صلوات الهی می‌رسد، می‌تواند در ساختار سامانه و ربوبیت و هدایت‌های خاص الهی(همان)، نشانه فروتنی و خاموشی شهوت و دنیاگرایی(حج، آیات ۲۴ و ۲۵)، بهرهمندی از پاداش‌های خاص دنیوی و اخروی (آل عمران، آیات ۱۴۶ و ۱۴۸) و مانند آنها اشاره کرد. از همین رو خدا بصراحت از مؤمنان می‌خواهد تا به عنوان یک تکلیف و وظیفه شرعی به صبر در زندگی توجه کنند و در انجام تکالیف و نیز در مصیبت‌ها صبر پیشه گیرند(آل عمران، آیه ۲۰۰، کافی، ج ۲، ص ۸۱، حدیث ۳) بر اساس گزارش قرآن، حضرت لقمان(ع) به فرزندش توصیه می‌کند تا بر هر ناگواری که به او می‌رسد، صبر کند، (لقمان، آیه ۱۷) زیرا این‌گونه نمودار اراده و عزم انسان را تقویت می‌کند و انسان را به کمالات می‌رساند. مؤمنان همانند پیامبران اولسوال عزم باید دارای تقوا و صبر باشند و هر کز در برابر مصیبت‌هایی چون حمله دشمنان سستی

حضرت لقمان(ع) به فرزندش توصیه می‌کند تا بر هر ناگواری که به او می‌رسد، صبر کند، زیرا این‌گونه امور اراده و عزم انسان را تقویت می‌کند و انسان را به کمالات می‌رساند.

نکتنند و دست از پایداری و استقامت و صبر نکنند. (آل عمران، آیه ۱۴۶) چنین افرادی از مؤمنان در سطح عالی «بیون» قرار می‌گیرند و آثار ربوبیت الهی در ملکات و شاکله شخصیتی آنان ظهور و بروز می‌کند.(همان)
این در حالی است که منافقان که در میان مؤمنان خود را جا زده‌اند، سستی کرده و مصیبت‌های جنگ را در تنها خیرری برای امت نمی‌دانند، بلکه دوری از مصیبت‌ها و مشکلاتی از جمله جهاد را برای خود نعمت می‌شمارند. (نسائ، آیه ۱۷۲) اگر منشا هر مصیبت امتحانی را اراده خدا بدانیم (آل عمران، آیه ۱۶۶؛ نساء، آیه ۷۸؛ توبه، آیات ۵۰ و ۵۱) باید گفت که هر چیزی که از سوی خدای علیم و قدیر و غنی برمی‌آید برای انسان رقم نمی‌تواند تشخیص دهد که این گرفتار نیک است یا بد و انسان را به کمالات می‌رساند و حتی اگر در قالب کفر و مجازات باشد، موجب تنبیه و بیداری فطرت و توبه و استغفار و بازگشت به سوی او می‌شود.

ابتداء خدا از بسیاری از اعمال انسان می‌گذرد و کفر نمی‌کند؛ زیرا اگر می‌خواست برای هر چیزی کفری در دنیا می‌کرد، دیگر کسی باقی نمی‌ماند؛ بلکه خدا تنها گناهان بزرگ را مورد توجه قرار می‌دهد و کفری که تا بهر بر اساس مشیت دیگران نیز باشد(شوری، آیه ۳۰) در حقیقت از نظر قرآن، مصیبت‌های کاران پیامدی جز عملکرد کفر و گناهان بزرگ آنان نیست که در این دنیا آنان را به عذاب استیصال می‌رساند و ریشه کن می‌کند تا آرامشی برای مؤمنان و درس عبرتی برای دیگران باشد.(قصص، آیه ۴۷؛ مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۴۰۱)

سبب می‌شد که در بیان این اخبار به پیامدهای آن برای جامعه اسلامی و به صورت خاص شیعیان توجه کنند و با در نظر گرفتن مسئله خود امامان(ع) در مناسبت‌های مختلفی این جریان را بازگو می‌کردند و از دیگر سو شیعیان آن بزرگواران محل سلیم بن قیس با کتابت گزارش‌های بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) سعی کردند تا این گزارش‌ها فراموش نشود.

بر همین اساس شیعیان گزارش‌های مربوط به این دوران را از نسلی به نسل دیگر به اشکال گوناگون مکتوب و شفاهی انتقال می‌دادند تا آنجا که توانای آن اخبار در بین شیعیان در قرون مختلف مورد اتفاق تمام محققین و مورخین است.

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

۱. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج‌الحق علی اللجاج، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإلهام، بعثت، قم، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۳۴.

۳. دهلا، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، ترجمه: انصاری زنجانی، اسماعیلی، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۶ هـ، مقدمه تحقیق، ص ۱۷، مقاله «گامی دیگر در شناسایی و احیای کتاب سلیم بن قیس هالی»، سیاحی، محمّدقی، نشریه علمی تخصصی ابنه پژوهش، شماره ۳۷، فروردین و دی‌پهشت ۱۳۷۵ هـ. ش، ص ۲۰.
۴. رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، تحقیق: قیومی ۹۴ و ۱۰۱ و ۱۰۴ و ۱۳۶.
۵. محمدباقر زنجانی، کتاب سلیم بن قیس را تحقیقی جامع در سجد در سال ۱۳۳۷ هـ. ق، چاپ رساند.
منبع جهت مطالعه بیشتر:

کتاب سلیم بن قیس تحقیق محمّدباقر زنجانی، کتاب ماساله الزهراء نوشته علامه سید جعفر مرتضی علمای، این کتاب توسط محمد سپهری با عنوان «زنجاهی حضرت

زهرا(س)» در سال ۱۳۸۰ ش ترجمه و منتشر شد.

صفحه ۷

شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۳

۱۴ جمادی الاول ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۷۲۲

چراغ راه

نشانه بدترین مردم

قال النبی(ص): «شرالناس من باع آخرته بدنياه و شر من ذلک من باع آخرته بدنیاه غیره».
پیامبر اکرم(ص) فرمود: بدترین مردم آن کسانی است که آخرت خود را به دنیاای خود بفروشند و بدتر از او آن کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگری بفروشد.^(۱)

۱- لئالی الاخبار، ج ۵، ص ۹۵

حکایت خوبان

موعظه دنیایی و آخرتی ابوذر

«ابوذر غفاری» برای موعظه مردم از آنان سوال می‌کند، ای مردم! اگر کسی از شما عازم سفری باشد، آیا به اندازه‌ای که به مقصد برسد، زاد و توشه تهیه می‌کند؟ همه گفتند: آری. آنچه مورد نیاز است برمی‌داریم تا به سلامت به مقصد برسیم. ابوذر در ادامه می‌پرسد: ای مردم! سفر راه قیامت دورترین سفرها است. پس چرا برای این سفر، زاد و توشه برنمی‌دارید؟ گفتند: ای ابوذر! برای این سفر چه باید تهیه کرد و چه توشه‌ای لازم است؟ بگو تا بدانیم. ابوذر می‌گوید: «ای مردم! در دنیا دو مجلس را انتخاب کنید: اول: مجلسی که برای طلب روزی حلال‌ان باشد. دوم: مجلسی که برای سعادت آخرت‌ان باشد، بدانید سومین مجلس به زبان شما خواهد بود.»^(۲)

۱- ابوذر غفاری، سید محسن امین، ص ۳۹

پرسش و پاسخ

رابطه دنیا و آخرت و آثار آن(۲)

پرسش:
از منظر آموزه‌های عقلانی و وحیانی دنیا و آخرت چه نوع رابطهای با یکدیگر دارند، و باور به آخرت چه آثاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد؟
پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سؤال به مباحثی همچون: جایگاه و اهمیت بحث معاد، رابطه دنیا و آخرت شامل ۱- پیوند ناگسستنی دنیا و آخرت ۲- منافع ندانشتن دنیا با آخرت پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

۲- **حقیر بودن دنیا نسبت به عظمت عالم آخرت**
از آنجا که زندگی حقیقی انسان در جهان آخرت می‌شود، طبیعی است که آموزه‌های وحیانی اسلام این امر مهم را از نظر دور نداشته و نکات اساسی را درباره آن بیان کرده باشد. یکی از اموز اینها این است که اگر همت و هدف غایی مسلمان از زندگی در دنیارسیسین به جهان آخرت باشد و دنیا برای او هدف غایی نباشد، دنیا در نزد او حقیر و خوار می‌شود. امام علی(ع) می‌فرماید: به خدا سوگند، دنیا خود به خوری پیش تو خواهد آمد (میزان الحکمه، محمدی ری شهری(۹)، ج ۱، ص ۵۲، ج ۹۶)
۴- شاخص عقایدت

یکی از شاخص‌های مهم انسان عاقل و خردمند این است که رابطه بین دنیا و آخرت را خوب بشناسد و برای هر کدام متناسب با وزن آن اهمیت و بها دهد. مثلاً اگر خدای خود را در عالم آخرت باقیم نه در دنیا که در مرحله گذار به آخرت است به طور طبیعی باید خانه آخرت که ماندگاری ما در آن است را بیشتر بها دهیم و آبادش سازیم؛ زیرا خانه دنیا را که موقتی و گذرا است (عالم علی(ع) می‌فرماید: «من عمر دارالقامته فیهوال عاقل» هر کس که خانه ابدی و ماندگارش را آباد سازد، تنها او سزاوار است که خردمند و عاقل نامیده شود. (همان، ج ۱، ص ۵۴، ج ۱۰۴)

۵- **یاد آخرت و تأثیرات فردی و اجتماعی**
یاد خدا و عالم آخرت یکی از مهمترین شاخص‌های تربیتی انسان‌ها در این عالم است. قرآن کریم در بسیاری از سوره‌ها به این موضوع اشاره دارد. سیره نظری و عملی اهل بیت(ع) هم بر این موضوع تأکید فراوانی دارد. امام حسن(ع) در «از هراس روز قیامت و دوری از دوستان نمی‌گزیرم» (کافی، ج ۷، ص ۲۲۱) امام علی(ع) هم یاد آخرت را هم دارو و هم درمان می‌داند. به تعبیر آن حضرت، یاد آخرت، دارویی اثربخش و شفابخش است: «ذكر الاخرة دواء و شفاء» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۶، ج ۱۲۰) همچنین آن حضرت یاد آخرت را کاهش دهنده گناه دانسته و می‌فرماید: هر آن کس که زیاده یاد آخرت باشد، گناه و نافرمانی او کم می‌شود.«(همان، ص ۵۷، ج ۱۲۱) شاید بتوان گفت: یکی از راههای پایین آوردن آسار جرم و جنایت و گناه، رهنه کردن یاد آخرت در میان مردم است. ایمان به یاد آخرت، آثار مثبت فراوانی برای فرد و جامعه به ارمغان می‌آورد که از آن میان به‌دراخل در عمل: خوف و رجا- شجاعت در میدان جنگ و جهاد- رعایت حقوق مردم در مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و... می‌توان اشاره کرد.
۶- جوادانه زیستن

به یقین توجه به آخرت آثار کار و کوشش، برنامه‌ریزی و حضور آدمی در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی منافی ندارد. ولی آنچه که اهمیت دارد این است که توجه به آخرت در همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان در نظر گرفته شود. امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید: «عمل لایذکب کانت تعیش ابدًا و عمل لآخر تکب کانت تموت غنا»؛ برای دنیای خود چنان کار کن که گویی همیشه زنده‌ای و جوادانه و برای آخرت خویش چنان کار کن که گویی فردا خواهی مرد. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۴۶)
۷- خبر بزرگ
یکی از نکات مهم تربیتی، بهره‌گیری از روش‌های مناسب در مشاغل تربیتی است که قرآن کریم بدان توجه دارد. به کار بردن واژگان زیبا و آسان برای برخورد مناسب و یادآوری خوبی‌ها در مخاطب تأثیر بسزایی خواهد داشت. قرآن کریم با بهره‌گیری از همین شیوه از قیامت به عنوان خبری بزرگ یاد می‌کند و برای جلب توجه مردم به آن سه مرحله را می‌پیماید. ۱- در آغاز نعمت‌های دنیا را یادآوری می‌شود ۲- سپس از آن خوف و رجا، یعنی ترس و امید وارد می‌شود ۳- و بالاخره از سختی‌ها و نافرجامی‌ها سخن می‌گوید.

عوامل غفلت از آخرت و دورغ پنداشتن آن

از آنجا که عالم آخرت برای انسان‌ها نامحسوس است، لذا به دلایل گوناگونی از آن غفلت می‌کنند و آن را دروغ می‌پندارند. اهم این دلایل از منظر قرآن کریم به شرح زیر است:

۱- **سلطنتی نگر:** «کافران فقط ظاهر زندگی دنیا را می‌دانند ولی از عالم آخرت غافلند.» (روم-۷)
۲- استکبار: «پس کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان (حق) را انکار می‌کنند و مستکبرند.» (نحل- ۲۲)
۳- دنیاپرستی: «این انسان دنیاپرست» گمان می‌کند که اموالش او را جوادانه می‌سازد.» (همزه- ۳)
۴- ضرر نگر: «کثیون که در دل بیماری دارند، خداوند بیماری آنان را اضافه می‌کند.» (بقره- ۱۰)

۵- **دلباختگی به ثروت و فروزی نعمت:** «تفاخر به بیشتر داشتن مال شما را غافل کرد.» (انکار- ۱)

سلوک عارفانه

اسلامی قیامت، شاخص‌های نظام حاکم بر آن

قیامت در قرآن کریم با نام‌ها و عنوان‌های مختلف خوانده شده است که هر کدام نشان‌دهنده وضع مخصوص و نظام مخصوص حاکم بر آن است. مثلاً از آن جهت که مهم اولین و آخرین در یک سطح قرار می‌گیرند و ترتیب زمانی آنها از بین می‌رود «روز حشر» یا «روز جمع» یا «روز تالاف» خوانده شده است و از آن جهت که باطن‌ها آشکار و حقایق بسته و پنهینه‌ها باز می‌شوند «یوم تبلی السرائر» (طراق- ۹) یا روز نشور نامیده شده است و از آن جهت که فتناباذیر است و جاوید است «یوم الخلود» و از آن جهت که انسان‌هایی سخت در حسرت و ندامت فرو می‌روند و احساس غبن می‌کنند که چرا خود را برای چنین مرحله‌ای در دنیا) آماده نکر دهاند، «یوم الحسیر» یا «یوم التغافل» خوانده شده است.^(۱)

۱- رستاخیز، شهید مرتضی مطهری(ره)، ینش مطهر، ج ۴، ص ۳۱